خبر

رونمایی معنوی از مجموعه داستانی «مثل کف دست» در حرم مطهر رضوی

آیین رونمایی معنوی از مجموعه داستانی «مثل کف دست» با محوریت روایت‌های مرتبط با آیینه‌ها، ۱۹ مردادماه ۱۴۰۴ در حرم مطهر رضوی برگزار شد.

محمدحسن مردانی، نویسنده اصفهانی و فعال حوزه فرهنگ و رسانه در این مراسم که در ایستگاه مطالعه و برگزاری حلقه معرفت کتاب رواق دارالعباده آستان مقدس امام رضا(ع) برگزار شد، گفت: این کتاب، مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه با عنصر محوری «آینه» است که این شیء اسرارآمیز را در موقعیت‌های گوناگون به تصویر کشیده و روایت‌هایی جذاب را از آینه بغل خودرو گرفته تا آینه جلو رانندگان، آینه آرایشگاه‌ها، آینه اتاق پرو، آینه‌های جیبی، آینه‌های محدب معابر و آینه‌کاری‌های آستان مقدس اهل بیت(ع) پیش روی مخاطبان قرار می‌دهد.

او در جمع علاقه‌مندان به حوزه مطالعه و کتاب افزود: یکی از داستان‌های این مجموعه، به آینه‌کاری‌های حرم مطهر حضرت رضا(ع) اختصاص یافته که حال و هوای معنوی خاصی را بازتاب می‌دهد، از این رو این اثر در بارگاه منور حضرت ثامن‌الحجج(ع) رونمایی معنوی شده و روانه بازار کتاب شد.

مردانی با اشاره به نگاه خلاقانه موجود در این اثر تصریح کرد: در هر داستان تلاش شده است از زاویه‌ای تازه به نقش آینه‌ها در زندگی و احساسات انسان‌ها پرداخته شده و عواطف و مکنونات قلبی و روحی انسان‌ها از رهگذر آن، به تصویر کشیده شود.

پیش از این، از مردانی آثاری همچون «تب برف» شامل ۲۲ داستان کوتاه برگزیده جشنواره‌های ادبی و مجموعه داستان کوتاه کوتاه «از شما چه پنهان» با محوریت زندگی خانوادگی و سبک زندگی منتشر شده است.

مجموعه داستانی «مثل کف دست» با شمارگان یک‌هزار نسخه از سوی انتشارات مشاهیر فردا به بازار کتاب آمده است. به گفته نویسنده، مراسم رسمی رونمایی این کتاب هفته آینده با همکاری حوزه هنری اصفهان و با حضور اهالی فرهنگ و هنر در شهر اصفهان برگزار خواهد شد.

فیلم روزبه حصاری به سوئد می‌رود

فیلم کوتاه داستانی «کی، کجا، با کی، چرا؟» به کارگردانی روزبه حصاری به جشنواره «گوسه‌بک» سوئد راه پیدا کرد.

به گزارش خبرآنلاین، فیلم کوتاه داستانی «کی، کجا، با کی، چرا؟» به کارگردانی روزبه حصاری و تهیه‌کنندگی محمد سروری در سومین دوره جشنواره بین‌المللی «گوسه‌بک» در کشور سوئد پذیرفته شد. جشنواره «گوسه‌بک» از تاریخ ۲۸ تا ۳۱ آگوست ۲۰۲۵ (۶ الی ۹ شهریور) در شهر هلسینبوری سوئد برگزار می‌شود. ۲۰ فیلم کوتاه و بلند از بهترین‌های سینمای روز در این جشنواره به نمایش در می‌آید.

هدف این جشنواره نمایش فیلم‌هایی است که نوآوری در داستان‌سرایی را به نمایش می‌گذارد و با شجاعت دیدگاه منحصر به فردی را درباره جهان پیرامونشان بیان می‌کند.

پخش بین‌المللی «کی، کجا، با کی، چرا؟» برعهده شرکت بین‌المللی «وایت دریم‌پیکچرز» به مدیریت مستانه مهاجر است. ماه‌منیر بیطاری، مازیار مهرگان، بیژن یگانه‌سیاهکل، مونیکا بهرام‌زاده و منوچ (گربه) در این فیلم ایفای نقش کرده‌اند. نویسندگی این اثر برعهده احسان بدخشان بوده که داستان را براساس طرحی از روزبه حصاری نوشته است.

تشییع استاد فرشچیان تنها در اصفهان انجام می‌شود

جلسه‌ای برای هماهنگی برگزاری مراسم وداع با پیکر استاد فرشچیان، میان مسئولان وزارت فرهنگ و برادرزاده‌ها و خانواده وی برگزار و مقرر شد که پیکر استاد محمود فرشچیان پس از عزیمت به ایران، به‌صورت مستقیم به اصفهان منتقل و در این شهر با حضور مردم و علاقه‌مندان تشییع شود.به گزارش اصفهان امروز، ظهر یکشنبه جلسه‌ای برای هماهنگی برگزاری مراسم وداع با پیکر استاد فرشچیان، میان مسئولان وزارت فرهنگ و برادرزاده‌ها و خانواده وی برگزار و مقرر شد که پیکر استاد محمود فرشچیان پس از عزیمت به ایران، به صورت مستقیم به اصفهان منتقل و در این شهر با حضور مردم و علاقه‌مندان تشییع شود.در این جلسه پیام تسلیت ریاست جمهور و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به خانواده فرشچیان ابلاغ و برای برگزاری مراسم باشکوهی برای تشییع پیکر این استاد بی‌بدیل هنر ایران از روبه‌روی تالار وحدت اعلام آمادگی شد.

گفت‌وگو با علی خدایی درباره نوشتن

تماشا، خیال و خاطره

اصفهان امروز
فاطمه بهرامی

علی خدایی نویسنده‌ای است که برای بسیاری از علاقه‌مندان ادبیات داستانی نامی آشناست؛ نویسنده‌ای که جهان داستانی‌اش ریشه در شهر دارد، در آدم‌ها و خیابان‌ها، در میدان نقش‌جهان و چهارباغ، در خاطره‌هایی که به خیال راه می‌دهند. در گفت‌وگوی اصفهان امروز با او درباره شروع نوشتن، دغدغه‌هایش، تأثیر شهر بر جهان داستانی‌اش و همچنین توصیه‌هایی به نویسندگان جوان پرسیدیم. پاسخ‌های او صمیمی، دقیق و گاه پر از تصویرهایی است که نشان می‌دهد چگونه تماشا کردن، خاطره داشتن و خیال‌پردازی می‌تواند به نوشتن راه بدهد.

شما سال‌ها بر داستان کوتاه تمرکز داشته‌اید، چه ویژگی‌هایی در داستان کوتاه هست که هنوز برای شما جذابیت دارد؟

داستان کوتاه، داستانی‌ست که من در آن حرفم را می‌زنم؛ در همان مجموعه کوتاه و سطرهای محدود. شاید دلیل اصلی که سال‌ها به سمت این قالب کشیده شده‌ام همین باشد: اینکه بتوانم نکته یا تصویری را که در ذهن دارم، مستقیم و بی‌حاشیه به مخاطب منتقل کنم. مدیوم داستان کوتاه برای من بهترین مدیوم بوده؛ جایی که صحنه‌ها را می‌سازم، کوه یخی را که بیشترش زیر آب است، با همان بخش کوچک بیرون‌زده‌اش نشان می‌دهم. من با آدم‌های داستان‌هایم زندگی کرده‌ام. با آن‌ها گردش رفته‌ام، سینما رفته‌ام، شام خورده‌ام، مهمانی رفته‌ام. این آدم‌ها فقط شخصیت نیستند؛ جهان من هستند. من در این جهان با آن‌ها قدم می‌زنم، مکالمه می‌کنم و در این مکالمه دائمی، آنچه ساخته می‌شود، داستان است. چشم من تماشا کردن را دوست دارد. تماشای زیرزمینی، دزدیدن لحظه‌ها. مثلا وقتی آب را در دست می‌گیرم و موج کوچکی می‌افتد، برای من و برای آن شخصیت، لحظه‌ای شکل می‌گیرد. داستان کوتاه برایم همان گرفتن لحظه است، همان دزدیدن دم، همان ثبت چیزی که اگر نگیری، می‌پرد.

در بعضی داستان‌هایتان، نوعی تعلیق شاعرانه وجود دارد که خواننده را به سکوت و تأمل می‌کشاند. آیا این فضا آگاهانه شکل می‌گیرد یا از ناخودآگاه نویسنده می‌آید؟

اگر بخواهم از تعلیق شاعرانه، سکوت و تأملی که شما به آن اشاره کردید حرف بزنم، باید بگویم که آن را «آن داستان» می‌نامم. این «آن» از شخصیت‌های من می‌آید؛ از درنگ‌هایی که می‌کنند، از لحظه‌هایی که خلق می‌کنند. این‌ها گاهی آگاهانه است، اما بسیاری از آن‌ها هم از ناخودآگاه من می‌آیند در لحظه نوشتن، همان‌جایی که دیگر خودآگاه و ناخودآگاه در هم می‌آمیزند.من با آدم‌های داستانم زندگی کرده‌ام. وقتی با آن‌ها هستم، انگار روی پشت‌بام زندگی راه می‌روم. بعضی از آن‌ها دیگر در این دنیا نیستند، اما هنوز با من‌اند. هنوز با من حرف می‌زنند. این ارتباط‌های ذهنی و روحی، آن فضای تعلیقی را می‌سازند که در داستان می‌آید و خودش را به شکل سکوت، تأمل یا مکثی شاعرانه نشان می‌دهد. این همان لحظه‌ای‌ست که خواننده را هم وارد بازی می‌کند و او را شریک در ساخت آن «دم» می‌کند.

چقدر تجربه‌های شخصی در شکل‌گیری شخصیت‌ها و فضاهای داستانی‌تان نقش دارند؟

تجربه‌های شخصی یا همان زیست من، بستر شکل‌گیری بیشتر شخصیت‌ها و فضاهای داستانی‌ام بوده‌اند. من از همان زمانی که شروع به نوشتن کردم، با شخصیت‌هایم زندگی کرده‌ام. آن‌ها فقط ساخته ذهن من نیستند، بلکه هم‌نشین من بوده‌اند. با آن‌ها قدم زده‌ام، در خیابان‌ها راه رفته‌ام، در مهمانی‌ها دیده‌امشان، صدایشان را شنیده‌ام و گاهی حس کرده‌ام که حتی حضور فیزیکی دارند.این آدم‌ها تکه‌هایی از جهان من‌اند، گاه آشنا، گاه مبهم، گاه کسانی که دیگر در این دنیا نیستند اما هنوز در مکالمه‌ای پنهان با من‌اند. وقتی داستانی می‌نویسم، این حضورهای مکرر و دائمی، بی‌آنکه بخواهم خودشان را تحمیل می‌کنند.آن‌چه در نهایت روی کاغذ می‌آید، فقط بازنمایی تجربه‌های زیسته نیست، بلکه ادامه همان زندگی‌ست؛ انگار بخشی از من، در دل این شخصیت‌ها جا می‌گیرد و آن‌ها، به‌جای من، روایت می‌کنند. برای همین است که جهان داستانی‌ام همیشه شبیه جهان واقعی‌ام است، حتی اگر عناصرش تخیلی باشند.

فکر می‌کنید زیست در اصفهان چه تأثیراتی بر نوع نگاه نویسنده دارد؟

اصفهان قطعا بر نگاه و زیست هر نویسنده‌ای تأثیرگذار است؛ چه این شهر اصفهان باشد، چه شیراز، تهران یا هر جای دیگری. زیست در هر شهری می‌تواند مبنای داستان‌ها باشد، اما برای من، اصفهان شهری است که من را در خودش پیچیده، نگه داشته و شکل داده است.اگر بخواهم تأثیرش را توضیح دهم، باید به همه لحظات زندگیم رجوع کنم و یکی‌یکی آنها را بازگو کنم. کسی می گفت «تو همیشه تو چهارباغی». من با آدم‌هایی که زندگی کردم، به اصفهان آمده‌ام و بخش بزرگی از داستان‌هایم ریشه در آنجا و آدم‌های قدیمی‌اش دارد؛ اما آدم‌های جدید هم وارد داستان‌هایم شده‌اند. وقتی در چهارباغ قدم می‌زنم، آدم‌های کنونی زندگیم به عقب می‌روند و آن‌هایی که در خاطراتم هستند، جلو می‌آیند. این برایم بسیار جذاب است و همین اصفهان است. من سفرنامه‌ها را خیلی دوست دارم و وقتی می‌خوانم، خانم مریت هاکس، آقای شاردن، آقای سانسون، خانم دیولا فوا و حتی صادق هدایت همراه من به اصفهان می‌آیند. آن‌ها اصفهانی را به من عرضه می‌کنند که گاهی حسرت می‌خورم چرا ندیدمش، هرچند بعضی‌شان نگاه منفی به اصفهان دارند.این حضور خیال‌انگیز و ترکیب دیدگاه‌ها، شکل ایده‌آل ویران شده اصفهان را برایم زنده می‌کند. انگار این‌ها به من تزریق شده‌اند و در ذهنم مانده‌اند و باعث دلبستگی من به شهر شده‌اند. برای من، اصفهان فقط چند خیابان و درخت یا چند اثر تاریخی نیست؛ اصفهان یک موجود زنده است، با جان و روحی که در زندگی من جریان دارد.

آیا داستان‌نویسی برایتان نوعی رستگاری فردی است یا تلاش برای گفت‌وگو با جامعه؟

نوشتن برای من پیش از هر چیز، نوعی آرامش و تخلیه است. حس می‌کنم وقتی می‌نویسم، سبک می‌شوم، حرفم را زده‌ام، چیزی را که درونم مانده بوده، بیرون ریخته‌ام. خیلی از نوشته‌هایم حتی الزاما داستان نیستند؛ گاهی فقط ثبت یک لحظه‌اند، یک حس، یا فقط تلاشی برای سکوت‌زدایی از ذهنم.اما از طرف دیگر، مسئله گفت‌وگو با جامعه هم بی‌اهمیت نیست. اینکه آیا داستان‌هایم توانسته‌اند باب گفت‌وگو را باز کنند؟ پرسشی‌ست که فکر می‌کنم پاسخ آن را باید خوانندگان بدهند. چون گاهی آنچه برای من صرفا تجربه‌ای شخصی‌ست، در ذهن و نگاه مخاطب به موضوعی اجتماعی تبدیل می‌شود.واقعیت این است که داستان نوشتن برای من فقط یک فعالیت یا یک حرفه نیست؛ نوعی شیوه زیستن است. همان‌طور که کتاب خواندن برایم بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی است، نوشتن هم چنین جایگاهی دارد. بنابراین شاید بتوان گفت هر دو جنبه در نوشتن من حضور دارند هم رستگاری فردی و هم گفت‌وگوی جمعی و شما می‌توانید هر اسمی که بخواهید بر آن بگذارید.

به نظر شما، چرا داستان کوتاه در ایران همچنان کمتر از رمان خوانده می‌شود؟ آیا این یک مسئله ذائقه است یا نظام نشر؟

من فکر می‌کنم در همه دنیا این‌طور است که مردم به رمان علاقه بیشتری نشان می‌دهند و رمان طرفداران بیشتری دارد. این مسئله به ذائقه یا نظام نشر محدود نمی‌شود، بلکه بیشتر به چیزی مربوط است که خواننده در تجربه خواندن به دست می‌آورد.خواننده ممکن است از داستان کوتاه راضی نباشد اما از رمان رضایت داشته باشد. در داستان کوتاه، نویسنده باید بسیار سخت‌گیر و دقیق باشد؛ سخت‌گیری‌ای که در رمان نیز وجود دارد، اما نه به اندازه داستان کوتاه. به همین دلیل، خواننده با رمان راحت‌تر است و بیشتر آن را می‌پسندد. البته در حوزه نشر هم همین وضعیت دیده می‌شود؛ بسیاری از ناشرها داستان کوتاه را چاپ نمی‌کنند، انگار که آن را قابل‌اعتنا نمی‌دانند و در برنامه‌های کاری‌شان قرارش نمی‌دهند. در نتیجه مخاطب بیشتر رمان را می‌پسندد و آن را دنبال می‌کند. در تمام دنیا چنین شرایطی بوده است، حتی در داستان کوتاه شما باید خیلی گزیده، موجز و دقیق حرف بزنید؛ ممکن است وقتی یک داستان کوتاه را می‌خوانید، ناگهان تمام شود و برود، اما در رمان این سخت‌گیری‌ها کمتر است. بسیاری از آثار من هم فقط داستان نیستند؛ خاطره، مومواِل و نوشته‌های ناداستانه هم دارم که در آن‌ها هم همین دقت و گزیدگی را رعایت می‌کنم.

در آثار شما، اصفهان نه فقط مکان، که گاهی یک شخصیت زنده است. چرا؟

در داستان‌های من، آن‌هایی که درباره اصفهان هستند، این شهر نه فقط به عنوان یک مکان بلکه با توان و انرژی‌ای حضور دارد که به کاراکتری زنده تبدیل می‌شود. انگار اگر این کاراکتر نباشد، داستان خشک می‌شود، فرو می‌ریزد و مصنوعی به نظر می‌رسد. وقتی این سؤال را مطرح می‌کنید، باید در داستان‌ها به دنبال پاسخ باشید: آیا من به اصفهان علاقه‌مندم؟ آیا شیفته این شهرم؟ آیا اصفهان جایی بوده که در آن خوشحال بوده‌ام؟ و آیا همه زندگی‌ام را در بر گرفته؟ پاسخ این پرسش‌ها در نوشته‌هایم واضح است.اصفهان یک موجود زنده است؛ اگرچه ممکن بود من در هر شهر دیگری مثل رشت، تبریز یا یزد زندگی کنم، باز هم این اتفاق برای آن شهر می‌افتاد. اصفهان موجودی‌ست که هیچ روزش شبیه روز قبل نیست، چون آدم‌ها تغییر می‌کنند و هر فصل و هر زمان، چهره‌ای متفاوت از آن نمایان می‌شود. دیدن اصفهان در عید با دیدن آن در پاییز کاملا متفاوت است و لذت بردن از هوای اردیبهشت این شهر، هدیه‌ای است که اصفهان به شما می‌دهد. وقتی رودخانه جاری است و مردم اصفهان را می‌بینید که با ولع به دیدن آب می‌پردازند، این نه تنها یک عادت روزمره بلکه نوعی نوستالژی است؛ یادآور پدر و مادرهایشان. این داستان‌ها و تجربه‌ها، اصفهان را به شهری زنده و پویا تبدیل کرده‌اند.

در بسیاری از داستان‌ها، مرز بین خیال و واقعیت درهم می‌رود. این بازی با مرزها، قرار است خواننده را به کجا ببرد؟

اگر بخوام به شکل تکنیکی نگاه کنم، ترکیب خیال و واقعیت یه روش روایت‌گریه که من ازش استفاده می‌کنم. ولی هر خیالبافی‌ای توی داستان، الزاما عبور از مرز واقعیت نیست. گاهی یه شخصیت فقط داره فکر می‌کنه یا توی ذهنش چیزی رو تصویر می‌کنه، اینا به‌تنهایی مرز خیال و واقعیت رو جابه‌جا نمی‌کنه.

وقتی این مرزها واقعا در هم می‌رن، قصدم اینه که خواننده بتونه همراه شخصیت سفر کنه، هم به درون خودش و هم به اون جهان خیالی که ساخته. این کمک می‌کنه تا برساخته داستان قوی‌تر بشه، فضای داستان خیال‌انگیزتر بشه و البته جذاب‌تر. خودم هم همیشه جذب این نوع روایت‌هام، هم در نوشتن، هم در خوندن.

آیا نوشتن برای شما راهی‌ست برای حفظ خاطره‌ها یا پاک‌کردن آن‌ها؟

خاطره همیشه باقی می‌ماند، اما وقتی درباره‌اش می‌نویسی، به آن هویت و تشخص می‌دهی؛ یعنی خاطره را از دل ذهن بیرون می‌کشی و در قالب نوشته زنده می‌کنی. این کار باعث می‌شود خواننده هم بتواند آن خاطره را در ذهن خود تصور کند و با آن ارتباط برقرار کند. هر چه این کار بیشتر انجام شود، آدم‌های بیشتری با آن خاطره همراه می‌شوند و لحظات بیشتری را با آن می‌گذرانند، لحظاتی که می‌تواند برایشان خیال‌انگیز و معنادار باشد.از سوی دیگر، من با نوشتن کمک می‌کنم خودم زنده بمانم. آن بخش از خاطره‌ها که ممکن بود کم‌رنگ یا فراموش شود، با رجوع دوباره و نوشتن، دوباره زنده می‌شود و باقی می‌ماند. همچنین خواننده با خواندن این نوشته‌ها، آن خاطره را تجربه و حفظ می‌کند.

اگر بخواهید یک توصیه به نویسندگان جوان داشته باشید، چه می‌فرمایید؟

توصیه من به نویسندگان جوان این است که همان کاری را انجام دهند که من وقتی جوان بودم می‌کردم: کتاب‌هایی را بخوانند که دوست دارند و از خواندن‌شان لذت می‌برند. این کار دنیاهای گوناگونی را به آن‌ها نشان می‌دهد و دیدشان را گسترش می‌دهد. همچنین همیشه سعی کرده‌ام خوب تماشا کنم. خوب تماشا کردن، همان چیزی است که باعث می‌شود مرز بین خیال و واقعیت را تجربه کنیم. وقتی در میدان نقش جهان قدم می‌زنیم و به اطراف نگاه می‌کنیم، به این فکر می‌افتیم که در جای پای چه کسانی راه می‌رویم و این نوع تماشا کردن کمک بزرگی در نوشتن است.

حضور علی اوجی و الیکا عبدالرزاقی در «کاکتوس»

فیلمبرداری فیلم سینمایی «کاکتوس» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی علی میری‌رامشه به زودی آغاز می‌شود.

به گزارش مهر، فیلم سینمایی «کاکتوس» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی علی میری‌رامشه، با انتخاب کامل عوامل، به‌زودی برای حضور در جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودک و نوجوان مقابل دوربین می‌رود.

این فیلم کمدی به نویسندگی مهدی علی‌میرزایی، روایتگر داستان خانواده‌ای است که وابستگی شدید به تلفن همراه و فضای مجازی، روابط‌شان را تحت تأثیر قرار داده است. این فیلم همچنین نیم‌نگاهی به حواشی زندگی بلاگرها و دنیای تبلیغات آنها خواهد داشت.

حضور علی اوجی و الیکا عبدالرزاقی در این فیلم قطعی شده و فهرست کامل بازیگران طی روزهای آینده اعلام می‌شود.

علی میری‌رامشه پیش‌تر فیلم سینمایی «تومبیل» را ساخته که در سال ۱۴۰۰ در سینماهای سراسر کشور اکران شد. او همچنین در جایگاه تهیه‌کننده و کارگردان ساخت چندین سریال و فیلم را برای پلتفرم‌ها و تلویزیون در کارنامه خود دارد.

عوامل اصلی «کاکتوس» عبارتند از تهیه‌کننده و کارگردان: علی میری‌رامشه، نویسنده: مهدی علیمیرزایی، مجری طرح و مدیر تولید: محمدرضا عزت‌خانی، مدیر فیلمبرداری: افشین علیزاده، طراح گریم: شهرام خلج، طراح صحنه و لباس: وحید زارعمند، مدیر صدابرداری: بابک اخوان، مدیر برنامه‌ریزی و دستیار اول کارگردان: مهدی مطلبی، عکاس: عباس بغدادی و مشاور رسانه‌ای: امین اعتمادی‌مجد.

خبر

آخرین صحنه از عشق

نمایش «آخرین صحنه از یاور» این روزها در تئاتر اصفهان به روی صحنه می‌رود تا ضمن نگاهی نو به سوژه پرطرفدار عشق، از شکست عشقی بگوید؛ شکستی که آدم نمی‌داند از کجا بر سرش آوار می‌شود.امیرحسین بکرانی، کارگردان این نمایش، در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: «آخرین صحنه از یاور» یک تراژدی عاشقانه و روان‌شناختی است. دختر و پسر جوانی که قصد ازدواج دارند، شخصیت‌های اصلی این نمایش‌اندا و با مدرن‌خواندن «آخرین صحنه از یاور» افزود: دو کاراکتر یادشده، به تئاتر علاقه‌مند هستند و از دل همین تمایل هنری است که داستان روایت می‌شود. در این نمایش، دختر و پسر در مسیر عاشقی و وصلتشان با موانعی چشم‌درچشم می‌شوند. عشق و شکست عشقی هم‌پای یکدیگر مفاهیم تکرار شونده در این اثر به‌شمار می‌آید.

عشق‌های بازیچه‌ای یا...

کارگردان «آخرین صحنه از یاور» با نظر به عنصر شکست عشقی ادامه داد: گاهی انسان در عشق به‌گونه‌ای شکست می‌خورد که یک لحظه هم تصورش را نمی‌کرده است. در این نمایش، سوژه محبوب عشق و شکست را از زاویه‌ای نو به صحنه می‌آوریم. این عشق با برخی عشق‌های امروزی که در جامعه می‌بینیم، به‌طوری که بازیچه شده و فقط خرده‌استخوانی از آن باقی مانده است، نسبتی ندارد.

بکرانی با اشاره به اینکه «آخرین صحنه از یاور» اولین تجربه کارگردانی او در تئاتر است، اظهار کرد: سراسر این تجربه برایم چالش‌برانگیز بود. کسانی که سال‌ها خاک تئاتر اصفهان را خورده‌اند، می‌دانند که اجرا در دنیای آن چقدر سخت و جان‌فرسا است. از هر طرف به تئاتر اصفهان نگاه کنید، به یک سختی گره می‌خورد. یک مورد نیست که دل‌مان را خوش کنیم و بگوییم دست‌کم در حوزه‌ای خاص امکانات و آرامش وجود دارد.

به فریاد تالارها برسید

او سپس با تأمل در این نکته که سالن یکی از اساسی‌ترین مشکلات تئاتر اصفهان است، توضیح داد: سالن استاندارد برای اجرا به‌ندرت وجود دارد. همان‌ها نیز که برقرارند با توجه به تبعیض‌ها در اختیار همه قرار نمی‌گیرد.کارگردان «آخرین صحنه از یاور» با نظر به همان مبحث سالن‌ها یادآور شد: سالن‌های تئاتر در اصفهان، به‌طور کلی سالن‌هایی با امکانات کم یا غیراستاندارد هستند. وسط تمرین ممکن است یک‌دفعه برق آدم را بگیرد یا قطع شود! حرف اخیرم با قطعی‌های فعلی برق ارتباطی ندارد، برق سراسری هم که متصل است، برق سالن یک‌باره می‌رود.بکرانی ادامه داد: سالن‌ها طوری است که وسط کار پارازیت می‌افتد در باندها یا موسیقی و نور قطع و وصل می‌شود. مشکلات تهویه را هم واقعا نمی‌توان نادیده گرفت. من چه بگویم از وضعیت سالن‌ها؟! این‌ها فقط حرف من نیست، کسانی که در این تئاتر زندگی کرده‌اند می‌دانند، من فقط شش سالش را دیده‌ام.

یاور در تماشاخانه ماه

عوامل نمایش «آخرین صحنه از یاور» که از هفدهم تا بیست‌وهشتم مرداد ۱۴۰۴ در «تماشاخانه ماه» اصفهان به روی صحنه می‌رود، از این قرارند: کارگردان: امیرحسین بکرانی، تهیه‌کنندگان: مجید بدیع‌زاده و امیرحسین بکرانی، مشاور کارگردان: مجید بدیع‌زاده، نویسندگان: مجید بدیع‌زاده و امیرحسین بکرانی، بازیگران: مجید بدیع‌زاده، امیرحسین بکرانی، محمد سعیدی و فائزه سلیمانی، دستیار اول کارگردان: محمدسجاد مهوری، گروه دستیاران کارگردان: علیرضا پاکدست، علی گلمکانی، آتنا قیامی و هستی طاهری، طراحان حرکت: امیرحسین بکرانی و فائزه سلیمانی، سرپرست: مجید بدیع‌زاده، منشی صحنه : هنگامه عباس‌پور، اتاق فرمان: هستی طاهری، هنگامه عباس‌پور و علی گلمکانی، طراح لباس: مهسا تقی‌پور، طراح صحنه: امیرحسین بکرانی و محمد سعیدی، دکوراتیو: سیدرضا کاردانی، مدیر صحنه: دانیال الله‌گانی، گریمور: یگانه کرباسی و مائده یزدی، طراح پوستر: استودیو دبیره و امین شاهی، کارگردان تیزر تبلیغاتی: نعیم نظیفی، عکاس: رعنا فرداصفهانی و زینب کریم‌زاده، مدیر روابط‌عمومی: مجید بدیع‌زاده و مدیر اجرایی: بهنام کاویانی.

همایون اسعدیان مدیرعامل خانه سینما شد

همایون اسعدیان کارگردان و تهیه‌کننده سینما، مدیرعامل خانه سینما شد.به گزارش ایسنا، پیش از این علی دهکردی، مرضیه برومند، منوچهر شاهسواری،رضا میرکریمی، محمد مهدی عسگرپور، سیدضیاء هاشمی، ابوالحسن داودی، منوچهر محمدی،یدالله صمدی،احمدرضا درویش، تورج منصوری و محمدآقاجانی به همراه منوچهر عسگری نسب از سینماگرانی هستند که در طول بیش از ۳۰ سال فعالیت خانه سینما،مدیریت این نهاد صنفی را برعهده داشتند.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

۱۴۹۳– ۱– برابر آراء صادره هیئتهای اول و دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی نجف آباد تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است. لذامشخصات متقاضیان واملاک موردتقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را در اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود رابه مرجع قضایی تقدیم نمایند.

رای شماره ۳۱۷۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۴ – خانم زهرا صافی شاه نجف آبادی به شناسنامه شماره ۲۶۷ کدملی ۱۰۹۱۰۴۶۶۹۷ صادره نجف آباد فرزند اسداله در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۹۵.۶۰ مترمربع قسمتی از پلاکهای شماره ۵۴۶ و ۵۴۶/۱ اصلی واقع در قطعه ۷ بخش ۱۱ حوزه ثبت ملک اصفهان – متقاضی مالک رسمی مشاعی می باشد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۲۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۶/۰۵ واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نجف آباد ۱۹۷۷۲۸۳/م الف

آگهی تحدید حدود اختصاصی پلاک ٦ فرعی از ۱۴۵ -اصلی واقع در باقر آباد یارند جزء بخش ۱۰ نطنز

۱۴۹۴– ۱– شماره نامه: ۱۴۰۴۸۵۶۰۲۰۳۳۰۰۱۶۸۵ چون تمامی ششدانگ قطعه زمین دو قفیزی معروف دشت باریکه پلاک ثبتی ۶ فرعی از ۱۴۵ -اصلی واقع در باقر آباد یارند جز بخش ۱۰ نطنز که طبق سوابق و پرونده ثبتی بنام زینت گندم کار فرزند رمضانعلی و غیره در جریان ثبت میباشد و عملیات تحدید حدود قانونی آن به عمل نیامده است. اینک بنا به دستور قسمت اخیر ماده ۱۵ قانون ثبت و طبق تقاضای نامبرده تحدید حدود پلاک مرقوم در روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۵ ساعت ۹.۳۰ در محل شروع و به عمل خواهد آمد. لذا به موجب این آگهی به کلیه مجاورین اخطار می گردد که در روز و ساعت مقرر در این آگهی در محل حضور یابند و اعتراضات مالکین یا مجاورین مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدیدی تا ۳۰ روز پذیرفته خواهد شد. تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۵/۲۱ رحمت اله شاهدی– مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نطنز ۱۹۸۰۳۸۹/م الف

آگهی تحدید حدود اختصاصی پلاک ۱۵۰۲ فرعی از ۱۶۵ -اصلی واقع در کمجان جز بخش ۱۰ نطنز

۱۴۹۵– ۱– شماره نامه: ۱۴۰۴۸۵۶۰۲۰۳۳۰۰۱۷۷۲ چون تمامی ششدانگ یکباب خانه پلاک ثبتی ۱۱۹۸ و ۱۱۹۹ و ۱۲۰۰ و ۱۲۰۱ فرعی که در راستای استاندارد سازی به پلاک ۱۵۰۲ تبدیل گردیده است از ۱۶۵– اصلی واقع در کمجان جزء بخش ۱۰ حوزه ثبتی نطنز نطنز که طبق سوابق و پرونده ثبتی بنام آقای رضا جعفری کمجان فرزند محمد و غیره در جریان ثبت میباشد و عملیات تحدید حدود قانونی آن به عمل نیامده است. اینک بنا به دستور قسمت اخیر ماده ۱۵ قانون ثبت و طبق تقاضای نامبرده تحدید حدود پلاک مرقوم در روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۵ ساعت ۹.۳۰ در محل شروع و به عمل خواهد آمد. لذا به موجب این آگهی به کلیه مجاورین اخطار می گردد که در روز و ساعت مقرر در این آگهی در محل حضور یابند و اعتراضات مالکین یا مجاورین مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدیدی تا ۳۰ روز پذیرفته خواهد شد. تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۵/۲۱ رحمت اله شاهدی– مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نطنز ۱۹۸۰۴۰۷/م الف

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

۱۳۳۸– ۱– برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۳۴۰۰۷۶۴۵ مورخ ۱۴۰۴/۳/۱۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم یاسین اکبرزاده فرزند محسن بشماره شناسنامه ۱۲۵۱۱۲۶۴۹۹ صادره از کاشان در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۱۱۷.۶۸ متر مربع مفروز از پلاک ۱۵ اصلی واقع در بخش ۲ کاشان خریداری از مالک رسمی خانم باقر مظفری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۵/۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۵/۲۱ محمد علی ناظمی اشنی رئیس ثبت اسناد و املاک شناسه: ۱۹۷۱۵۰۸

آگهی فقدان سند مالکیت

۱۴۹۶– ۱– شماره نامه: ۱۴۰۴۸۵۶۰۲۰۱۵۰۰۱۵۰۸ نظر به اینکه آقای محمود طاهری فرزند حسن با کدملی ۲۳۹۱۴۴۶۹۰۱ به وکالت از طرف خانم طاهره خانم امیریان دهاقانی فرزند یوسف خان ورثه مرحومه فاطمه سلطان امیریان به موجب و